

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۱. ق. ا
۱۶ فبروری ۲۰۱۳

روان شما شاد و گرامی باد!

مینا ایثارگر و همسر هم رزمت فیض احمد مبارز نستوه و گرانقدر

همه کسانی که با نثار خونهای پاک و گرم شان با گذشتن از حیات و زندگی که بسا برای هر کس پر نشاط و لذتبخش است، به خاطر دفاع از منافع خلق خویش به جاودانگی پیوستند، جاویدان صفحات زرین تاریخ مبارزان انقلابی جهان و میهن عزیز شدند. این درس شهامت و آزادگی است تا ما رهرو راه پر افتخار آنها باشیم. اگر به نبشته های طولانی و منتقدانه، عمل انقلابی و خودگذری این جانبازان انقلابی را کتمان نمایم، آب به آسیاب دشمن می اندازیم. زنده یادان "مینا و فیض احمد" شهید مرد و زن میدان عمل انقلابی بودند. آنها به عمل نمودار ساختند که سپاهی و رزمنده خلق خویش بودند.

به هر عملی که تلاش می ورزیدند به سمت دفاع از منافع خلق جهت گیری داشت. مجید قهرمان و داکتر فیض تلاش آگاهانه داشتند تا مقاومت مردمی را به دفاع از آزادی مهین علیه سوسیال امپریالزم از سلطه ارتجاع سیاه پاکسازی نماید و نیروهای آگاه و انقلابی را پیش آهنگ جبهات مقاومت سازند. مگر کسانی هم بودند که جهت حفظ منافع شخصی و خانوادگی از عمل انقلابی شان خالی کردند. به گفته رفیق معلم صاحب (که میرویس جان در یکی از نبشته هایش از او یاد آور شده که آرزومندم حیات شامل حالشان باشد.) سیاستمدان زیر سقف اطاق اند و هم بودند که باز هم به زیر سقف اطاقهای گرم و سرد ورق سیاست را صفحه سیاه می کنند.

فیض شهید انتقاد پذیر بود و از خود انتقاد هم کرد. به این ارتباط خاطره ای از آن مبارز زنده یاد به خاطر دارم: سال ۵۲ یا ۵۳ بود که داکتر فیض شهید جدیداً از پوهنتون فارغ شده بود و آرزو داشت که در کدر علمی پوهنتون انتخاب وظیفه نماید. از سیر سفر سازمانی و سیاسی به ولایت هرات و فراه در برگشت از فراه باز هم جهت دید و ملاقات با رفقای قندهار، توقفی داشت یک نفر دکاندار را که از جمله دوستان بنده بود و من این آدرس را برایش قبلاً معرفی نموده بودم تماس گرفته تا با من تماس بگیرد. وقتی طبق معمول همه روزه به بازار رفتم همین دکاندار برام گزارش داد که کسی ساعت ۹ بجه شب با شما خواهد دید و من قبل از ساعت تعیین شده در همان جای منتظر شدم که دیدم داکتر گرانقدر و زنده جاویدان ظاهر شد و با هم به خانه رفتیم که نزدیک هم بود بعد از یک سلسله مسایل از من سوال کرد رفقا عچه نظر دارند. من به شوخی برایش گفتم خبر شده اند که شما آرزو دارید در کدر پوهنتون اجرای وظیفه نمائید ولی توده ها به ما و شما چشم به راه هستند و زمینه کار برای شما وجود دارد که در بین آنها باشی. در

جواب گفت کوشش می کنم و بعداً خبر شدیم که به یکی از ولسوالی های کوهستانی میهن عزیز شغل داکتری داشت .
چرا نباید گفت که عملاً یک انقلابی بود.

سروده های شعرای انقلابی ما در بزرگی و بلند همتی همچو راد مندان و رزمندگان خلق تحت ستم و استعمار یادآور
سربلندی و آزاده صفتی آنها است که به آنها می زیبد. با تحلیل از شرایط مشخص، کار کرد عمل و نظر شان به نسل
کنونی و فردا رهنمای عمل خواهد بود و هست.

خود گذری و ایثارگری رزمندگان ملی و انقلابی درسی است از مقاومت و تسلیم ناپذیری به دشمنان رنگارنگ توده
های میلیونی و تف انداختن به رخ ناپاک دشمنان آزادی و عدالت اجتماعی.

تحمل زندان و شکنجه و از خود گذری برای هر خس و خاشاک آسان نبود این تنها مبارزان دلباخته و راستین هستند که
از این کوره راه ها می گذرند ولی هرگز پشت به دشمن نمی کنند. همه با سرودن شعار یا مرگ یا آزادی ایستاده با فیر
تفنگ کرگسان و حرامزادگان ایستاده به جاودانگی پیوستند.

روان همه شما شاد و گرامی و راهتان پر رهرو باد!

شما جانباختگان آسوده بخوابید کسانی در این سرزمین هستند و خواهند بود که از آرمانهای انقلابی و شریف شما دفاع
کنند و خواهند کرد. لجنپران ها همه در لجنزار تاریخ است.
جاودان باد خاطرات این آزاد زنان و مردان تاریخ میهن.